### با نزدیک شدن به انتخابات

# تکلیف مولود رحم‌اجاره‌ای اصلاح‌طلبان چه می‌شود؟!

مجتبی باجلان

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری مدعیان اصلاحات مرزهای خود را با دولت یازدهم شفاف‌تر از گذشته می‌کنند و در حالی که پیش از این برخی اصلاح‌طلبان از دولت به عنوان رحم‌اجاره‌ای یاد کرده بودند این روزها به دنبال آن هستند که سهم خود را از دولت مطالبه کرده و در ازای آن حمایت خود را تداوم ببخشند و در عین حال از پاسخگویی به ناکارآمدی‌ها یعنی فرزند این رحم اجاره‌ای نیز در امان باشند!

موضوع نسبت و رابطه دولت اعتدال با مدعیان اصلاحات از جمله سؤالاتی است که در سه سال و نیم گذشته لااقل از دو طرف هیچ پاسخ و تعریف روشنی از آن ارائه نشده و هرکدام از طرفین بسته به شرایط زمانی و نیز عملکرد دولت این رابطه را تعریف و فاصله آن را کم و زیاد می‌کنند.

یک روز دولت روحانی را وامدار و مدیون چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبی از جمله هاشمی و خاتمی عنوان می‌کنند و فردای آن روز می‌گویند که گرچه اصلاح‌طلبان در پیروزی دولت اعتدال نقش محوری ایفا کردند اما این حسن روحانی و جریان اعتدالش بود که جسم بی‌جان اصلاح‌طلبی را حیات دوباره بخشید و از حاشیه‌نشینی خارج کرد.

روز دیگر کنش سیاسی روحانی از سوی اصلاح‌طلبان منتهاالیه چپ اصلاح‌طلبی تعریف می‌شود که مواضع وی کاملا منطبق بر خواسته‌های اصلاح‌طلبی است و روز دیگر می‌گویند که رئیس دولت را نه تنها اصلاح‌طلب نمی‌دانند بلکه معتقدند روحانی یک راست سنتی با پوشش اعتدال است و به دلیل اینکه قافیه بازی را جریان مدعی اصلاحات را به نقطه‌ای از پراگماتیست حاد رساند و امروز با حمایت از هاشمی و بعد روحانی تقریبا از هویت سیاسی ایدئولوژیک اصلاح‌طلبان چیزی باقی نمانده است.

جریان مدعی اصلاحات کمتر از ۶ ماه مانده به انتخابات در حالی که به موضوع موفقیت در بازیابی هویت خود و فکر کردن در انتخابات به اصولگرایان نبازند مجبور به حمایت از وی شده‌اند.

به عقیده برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب این عدم هم‌خوانی و هماهنگی در تعریف نسبت و رابطه اصلاح‌طلبان با دولت اعتدال به این دلیل است که اصلاح‌طلبان نه می‌خواهند هویتی مستقل برای گفتمان اعتدال قائل باشند و نه در چند سال اخیر توانسته‌اند هویت اصلاح‌طلبی را بازیابی کنند و گزینه‌ای غیر از روحانی را مطرح کنند چرا که خطای سنگین و ریسک خطرناک قمار آنها در انتخابات ۸۸ و حوادث بعد از آن به گزینه دیگری به جز حسن روحانی به دیده تردید می‌نگرد با چالش بزرگ دیگری روبروست و اینکه اگر دولت اعتدال را برآمده از اصلاح‌طلبی بنامد خود را شریک همه سیاست‌های ناکارآمد و خلف وعده‌های دولت روحانی هم کرده است.

به عبارتی دقیق‌تر مدعیان اصلاحات تلاش می‌کنند هم روحانی را از خود بدانند هم کاندیدای ۹۶ آنان باشد و هم عملکرد روحانی به حساب آنان نوشته نشود. چرا که اگر عملکرد روحانی به پای آنان نوشته شود باید پاسخگوی ناکامی‌های دولت هم باشند. آنها برای فاصله‌گذاری بین خود و دولت بویژه در عرصه عملکرد اقدامات رسانه‌ای را شروع کرده‌اند.

محمد رضا تاجیک از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با روزنامه زنجیره‌ای شرق درباره شرایط اصلاح‌طلبان و هویت اصلاح‌طلبی در دوران ریاست جمهوری روحانی می‌گوید: در دوران قبل از دولت کنونی، شرایطی که برای جریان اصلاح‌طلبی وجود داشت، شرایط بسیار نامطلوبی بود و این جریان را به حاشیه برده بود و مجالی برای صدا نداشت. این شرایط در فضای بعد از ۹۲ به شکلی تغییر کرد و باعث شد اصلاح‌طلبان از آن حاشیه خارج شوند. اما اینکه آیا توانستند جایی در متن داشته باشند، این یک بحث جدی است؛ یعنی اینکه توانستند در سیاست کلان و مدیریت کلان جامعه به اندازه سهمی که در انتخابات داشتند، نقش ایفا کنند که این از موضوعات جدی قابل بحث است.

وی همچنین ضمن انتقاد از رویکرد دولت اعتدال در تعریف رابطه خود با اصلاح‌طلبان گفت که این خطرناک است که برخی فکر کنند بسیار باهوش هستند و در مقطعی که نیازمند رای مردم هستند یک جریان را در پس خود قرار دهند و فردای پیروزی از مردم فاصله بگیرند.

تاجیک در ادامه به این سخنان هم اکتفا نکرده و با زیر سؤال بردن اعتدالگرایی تصریح می‌کند که آنچه به عنوان گفتمان اعتدال نامیده می‌شود فقط یک نام و اسم بی‌مسما است که زاییده شرایط انتخابات است و یک جریان برای خود باید نامی دست و پا می‌کرد که این نام هم اعتدال انتخاب شد.

این اظهارات به نوعی یک گام فراتر از تعبیر «دولت؛ رحم اجاره‌ای اصلاح‌طلبان» توسط ابراهیم اصغرزاده، دبیرکل سابق حزب همبستگی است که گفته بود اگر رحم اجاره‌ای جنین را خوب محافظت کند، حتما اصلاح‌طلبان آن را دو بار اجاره خواهند کرد.»

می‌توان گفت در تعریف جدید مدعیان اصلاحات آنچه که به عنوان عملکرد دولت از این رحم اجاره‌ای بیرون آمده منتسب به آنها نیست و اگر قرار باشد در انتخابات آتی به گزینه روحانی فکر کنند اما نقش و جایگاهشان در دولت روحانی همچنان نامشخص باشد، مولود این رحم اجاره‌ای را بر سر راه خواهند گذاشت.

> **از منظر مدعیان اصلاحات آنچه که به عنوان عملکرد دولت از رحم اجاره‌ای بیرون آمده منتسب به آنها نیست و اگر قرار باشد در انتخابات آتی به گزینه روحانی فکر کنند اما نقش و جایگاهشان در دولت روحانی همچنان نا مشخص باشد مولود این رحم اجاره‌ای را بر سر راه خواهند گذاشت.**

# جبهه مردمی نیروهای انقلاب
# نماد روح وحدتی که بر جامعه دمیده شده است

سرویس سیاسی -

در شرایط بسیار پیچیده و حساس انقلاب اسلامی که صف طویل جبهه دشمنان انقلاب شامل همه دنیاپرستان، قدرت‌طلبان و جنایت‌کاران سرتاسر عالم در تقابلی به شدت نامتقارن، تغییر در باورها و رفتارهای «انقلابی» مسئولان را با حربه نفوذ فکری و سیاسی هدف قرار داده‌اند، رهبر معظم انقلاب اسلامی از حدود یک سال پیش تاکنون در سخنرانی‌های مختلف خود «گفتمان انقلابی‌گری» را به عنوان اصلی‌ترین راهبرد مقابله با آفات و چالش‌های نظام اسلامی مطرح کرده‌اند.

در حقیقت رهبری فرزانه از طریق دعوت به تبیین و شفاف‌سازی مرزهای انقلاب، به دنبال حراست از این مرزها در مقابل نفوذ نرم دشمنان و جلوگیری از تحریف‌گری عناصر «گفتمان غیرانقلابی» غربگرا هستند که هم اینک با شدت تمام در صدد عبور از خطوط قرمز نظام و هم‌آغوشی با آمریکا و تعامل با غرب در مسائل داخلی، منطقه‌ای و جهانی است. جریانی که صراحتا نمی‌گوید که انقلابی نیست اما از هرآنچه رنگ و بو و پسوند انقلابی داشته باشد، ناراحت است، جریانی که به دنبال مترادف کردن انقلابی‌گری با افراطی‌گری است، به جای استقلال به دنبال استبدال است و به جای هزینه دادن به دنبال هزینه کردن است و جریانی که «ری تکیه» تحلیلگر ارشد آمریکایی در نامه اخیر خود به ترامپ از آنها به عنوان دوستان آمریکا در ایران یاد می‌کند که باید به آنها کمک کرد.

از طرف دیگر تجربه برجام هم در کنار درس‌های بزرگ خود برای ملت ایران در اثبات عدم تحقق «اهداف انقلابی اسلامی» با گفتمان «غیرانقلابی غربگرایانه» و دشمنی ایدئولوژیک غرب و آمریکا با ایران، موید درستی مرزبندی میان این دو گفتمان بود و بر همگان ثابت شد سیاستمدارانی که تامین منافع و مصالح ملت را به جای اعتماد به وعده الهی و حفظ روحیه و عملکرد انقلابی، خیالبافانه در معامله کردن بخشی از استقلال کشور با بیگانگان می‌بینند و اصرار بر مبانی انقلاب اسلامی را هزینه‌زا می‌دانند، شایستگی اداره جامعه اسلامی را ندارند و برای عبور از مشکلات و موانع موجود کشور و سرعت بخشیدن به پیشرفت روزافزون ایران اسلامی، حفظ دستاوردهای بزرگ انقلاب و نفوذ چشمگیر آن در منطقه راهی جز کنار گذاشتن آنها از ساختار اجرایی کشور وجود ندارد و باید نقطه پایانی بر این رویه گذاشت.

در چنین فضایی جریان سیاسی جدیدی با نام «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» در پاسخ به این مطالبه عمومی و با حضور ده‌ها تن از چهره‌های برخاسته از متن نیروهای مؤمن و انقلابی سراسر کشور متولد شد که گرچه هدف از شکل‌گیری آن، پشتیبانی و اقدام صادقانه برای حل مشکل اشتغال، معضلات رکود و فساد اقتصادی و اداری و تلاش برای تحقق عدالت اعلام شده است اما فرا اصولگرایی بودن و توسعه آن به همه معتقدان واقعی آرمان‌های امام و گفتمان انقلاب اسلامی از همه جناح‌های سیاسی کشور نشان می‌دهد که موسسان این جریان نوظهور مردمی نیز تحقق اهداف مورد نظر را در ضرورت پررنگ کردن مرزبندی خود با تفکر غیرانقلابی و ایجاد وحدت بین انقلابیون برای مقابله با این تفکر جستجو کرده‌اند.

وحدتی که از همان ابتدا به مذاق روزنامه‌های زنجیره‌ای اصلاح‌طلب و شبکه سلطنتی بی‌بی‌سی خوش نیامد و با تعابیری همچون «قربانی کردن اصولگرایی»، «ترفند دوقطبی انقلابی و غیرانقلابی»، «پوست‌اندازی با همان تفکر»، «تبدیل پوشالی تهدید به فرصت»، «راهبرد انقلابی‌بازی»، «ائتلاف برای شکست» و امثالهم تلاش کردند اینگونه القا کنند که این هم‌افزایی در میان نیروهای اصیل و واقعی انقلاب اسلامی تنها نوعی صحنه‌آرایی شتابزده با هدف زدودن غبار برجای مانده از عنوان اصولگرایی و قرار گرفتن زیر عنوان جدید «جریان انقلابی» برای ورود به انتخابات ۹۶ است.

این رسانه‌ها که با شیوه نادرست و هیجانی و معطوف به هجمه خبری و پروپاگاندای رسانه‌ای همواره سعی در دستاوردسازی برای دولت یازدهم به ویژه از روز بعد از اجرای برجام داشته‌اند و در پی انحراف افکارعمومی و گمراه‌سازی آن با توجیه رسیدن به هدف با هر وسیله‌ای بوده‌اند، حال با بی‌نتیجه ماندن برجام احساس می‌کنند دست خالی هستند و گره‌ای از مشکلات ملت ایران باز نشده و نتیجه اعتماد به آمریکا بر مبنای گفتمان غیرانقلابی حتی کشور را به سال‌های قبل از شروع برجام برگردانده و عملا به این نتیجه رسیدند که نمی‌توانند کاری را برای جذب اعتماد مردم انجام دهند طبیعی است که از این اتفاق خوشحال نباشند و مصرانه این حرکت را به صف‌آرایی جریان اصولگرایی برای حضور صرف در انتخابات محدود کنند اما به گفته عزت‌الله ضرغامی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی این مشارکت سیاسی گسترده و فراجناحی در قالب وحدت میان نیروهای انقلاب به مراتب از بحث ریاست‌جمهوری مهم‌تر است و صرفاً ابزاری و برای عبور از انتخابات‌ها نیست.

بدون تردید نیروهای اصیل انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که ادامه این روند بر اساس گفتمان غیرانقلابی اشرافیت‌طلب عزت ملی و استقلال کشور را با خطرات به مراتب جدی‌تری مواجه خواهد کرد چرا که اصرار به منافع فردی و باندی با ماحصل فیش‌های حقوقی نجومی، فساد ۸ هزار میلیاردی در صندوق ذخیره فرهنگیان و دیپلماسی ذلت دولتمردان، فاصله آحاد ملت به عنوان رکن رکین نظام مردم‌سالار دینی با حاکمیت را روز به روز عمیق‌تر کرده و از سوی دیگر چنددستگی‌های بی‌حاصل و وحدت‌شکن پیش از آنکه به حفظ منافع و هم‌افزایی نیروهای انقلاب بینجامد تبدیل به رودررویی و آسیب به کلیت نظام اجتماعی و منافع ملی خواهد شد.

و اکنون با ندای وحدت‌بخش اعلام موجودیت جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی، هرچند که با مطلوبیت‌های نهایی مورد انتظار دلسوختگان انقلاب هنوز فاصله دارد، موجب آرامش و اطمینان جامعه اسلامی شده‌اند که خوشبختانه با حمایت تمام قد جریانات سیاسی و انقلابیون سراسر کشور مواجه شده و در همان بادی امر بسیاری از فرهیختگان دینی و علمی و شخصیت‌ها به این دعوت وحدت‌آفرین لبیک گفتند و بر این حرکت بنیادین برای یک تغییر بزرگ مهر تأیید زدند.

امروز با همه اختلافات و مشکلات داخلی جامعه که ناشی از مدیریت گفتمان غیرانقلابی است، روح وحدتی دمیده شده تا همه نیروهای انقلاب با همه ظرفیت‌های خود و با هم‌افزایی فکری و عملی با «مشارکت همه آحاد مردم» و طرح اقتصاد مقاومتی، بتوانند مشکلات جامعه اسلامی را برطرف نمایند. به امید آن روز.

> *** امروز با همه اختلافات و مشکلات داخلی جامعه که ناشی از مدیریت گفتمان غیرانقلابی است، روح وحدتی دمیده شده تا همه نیروهای انقلاب با همه ظرفیت‌های خود و با هم‌افزایی فکری و عملی با «مشارکت همه آحاد مردم» و طرح اقتصاد مقاومتی، بتوانند مشکلات جامعه اسلامی را برطرف نمایند.**

# ایستگاه آخر این دشمنی کجا است؟

■ احمدرضا هدایتی

> *** انقلاب اسلامی به واسطه ماهیت، ویژگی و خصوصیات منحصربه‌فرد خود از جمله، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، استقلال‌طلبی و حمایت از محرومین و مستضعفین، پیوسته مورد هجمه دشمنان بشریت قرار داشته و به تعبیر رهبری تا مادامی که استکبار زنده است و جمهوری اسلامی ایران بر اصول انسانی و اسلامی خود پایبند است، این دشمنی پایان نخواهد پذیرفت.**

دیگر شعار دادن کافی است؛ این جمله‌ای است که این روزها مدام در برخی از محافل و مجالس به گوش می‌رسد، متاسفانه این یک واقعیت انکارناپذیر است که علی‌رغم تذکرات مکرر رهبر معظم انقلاب(دامت برکاته) و انتظارات عمومی جامعه، در بعضی از مقاطع، برخی از مسئولین دستگاه‌ها برای انجام امور محوله و رفع مشکلات حوزه کاری خود، به جای اتکاء به نیروهای درونزای مورد اشاره رهبری و اقدام انقلابی و جهادی متکی به اصول و ارزش‌های اسلامی، به این روش ناخوشایند روی آورده‌اند.

همان‌گونه که اشاره شد؛ این موضوع همواره مورد تاکید رهبر معظم انقلاب(دامت برکاته) نیز قرار داشته و تاکنون ده‌ها سخنرانی و رهنمود ایشان به بیان ضرورت پرهیز از خصلت‌های مذمومی مانند؛ شعارزدگی، تجمل‌گرایی، دنیاطلبی و بی‌تفاوتی مسئولین نسبت به رفع نیازهای جامعه اختصاص یافته است، سایر علمای بزرگوار نیز بر این موضوع تاکید داشته‌اند.

بنابراین؛ بیان این خواسته یک انتظار کاملا منطقی و مطالبه فراگیر و جدی است، اما باید توجه داشته باشیم که اگر چه پس از پایان جنگ تحمیلی به تدریج برخی از مسئولین ما گرفتار این ناهنجاری و یا درگیر مسائل حزبی، باندی و جناحی و بعضا دنیوی شده‌اند، اما گرفتاری‌های کشور تنها به این رویکردهای غلط مربوط نمی‌شود، بلکه با توجه به ده‌ها و بلکه صدها توطئه خرد و کلانی که انقلاب اسلامی از بدو تولد با آنها مواجه بوده، این قضاوت ناعادلانه است اگر ریشه همه مشکلات کشور را در این موضوع خلاصه و همه مسئولین را به کم‌کاری یا خدای ناخواسته به خیانت متهم نماییم.

همان‌گونه که اشاره شد؛ برای رفع این شبهه و هضم و درک بهتر این مسئله باید به یاد داشته باشیم که انقلاب اسلامی هنوز به درستی خود را پیدا نکرده بود که خیلی زود با توطئه دشمنان و خیانت برخی از افراد خودفروخته، درگیر مسائل حاد سیاسی و آشوب و اغتشاشات خیابانی در شهرهای مختلف کشور شد و هنوز این درگیری‌ها پایان نپذیرفته بود که با تحریک دشمن و دامن زدن وی به تعصبات و اختلافات قومیتی، با بحران‌ها و غائله‌های جدیدی مانند؛ جنگ داخلی ضدانقلاب در کردستان، درگیری گروهک چریک‌های فدایی خلق در گنبد، جدایی‌طلبی خلق عرب در خوزستان و شورش گروهک منافقین در شمال کشور مواجه گردید.

همزمان با این وقایع، در همان اوایل انقلاب شکوهمند اسلامی، مقدار قابل توجهی از اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا و سایر کشورهای اروپایی مصادره و راهبرد ناجوانمردانه تحریم از سوی غربی‌ها کلید خورد.

هنوز نظام دفاعی و امنیتی کشور به طور کامل از عوارض توطئه‌های مورد اشاره رهایی نیافته بود که با جنگی ناخواسته مواجه شد، جنگی که با پشتیبانی کامل نظام سلطه به کشور تحمیل و ۸ سال تمام به درازا کشید، جنگی ویرانگر که هزاران نفر از بهترین، مخلص‌ترین و متعهدترین جوانان این مرز بوم را از آغوش انقلاب گرفت و خسارت‌های سنگینی را به نظام نوپای انقلاب اسلامی وارد نمود. نیروها و سرمایه‌هایی که می‌توانستند در سایه اصول و ارزش‌های اسلامی، در تحقق اهداف متعالی انقلاب نقش اساسی داشته باشند.

این پایان ماجرا نبود، ناکامی‌های دشمنان در جنگی که فکر می‌کردند چند روزه طومار انقلاب اسلامی را درهم خواهد پیچید و نیز ترس از عواقب پیروزی ایران اسلامی، سبب شد تا همزمان مزدوران داخلی دشمن جنایتکارانه به تخریب، بمب‌گذاری و ترور مردم و مسئولین متوسل شوند، جنایاتی که بیش از ۱۷۰۰۰ نفر از مردم، مسئولین و نخبگان کشور یعنی کسانی که قرار بود آرمان‌های انقلاب اسلامی را محقق سازند، ناجوانمردانه قربانی خود کرد، عملیات‌های تروریستی که فقط در یک مورد آن، ۷۲ تن از مسئولین عالی نظام به شهادت رسیدند.

همین مقدار کافی بود تا هر کشور دیگری حتی کشورهای قدرتمند را به طور کامل فلج و از مسیر خود منحرف نماید، اما به یاری خدا، رهبری‌های داهیانه ولایت و حضور هوشیارانه مردم در صحنه دفاع از انقلاب اجازه نداد تا دشمن به اهداف شوم خود دست پیدا کند، به همین دلیل عداوت بیگانگان همچنان ادامه یافت، اما این بار برخوردها، فیزیکی و بعضا علنی و آشکار نبود، نبرد جدید به عرصه فرهنگی، اقتصادی و حتی امنیتی کشیده شد.

تهاجم فرهنگی که با ورود ماهواره با شدت بیشتری، فرهنگ، آداب و سبک زندگی مردم را هدف قرار داده بود، در ادامه با پیدا شدن سر و کله سایر میهمانان ناخوانده‌ای مانند پدیده فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به تعبیر امام خامنه‌ای، به شبیخون فرهنگی و یک جنگ تمام عیار در این عرصه بدل شد.

با این حال؛ جنگ به عرصه نظامی، اقتصادی و فرهنگی نیز محدود نماند، بلکه با نفوذ مزدوران داخلی به شبکه اطلاعاتی و امنیتی کشور در اواخر دهه ۷۰، تجاوزات دشمن ابعاد جدیدتری به خود گرفت.

بروز قتل‌های زنجیره‌ای بین سال‌های ۷۷ تا ۷۹ توسط عوامل خودفروخته، وقوع حادثه تلخ و مشکوک کوی دانشگاه در سال ۷۸، جاسوسی و افشای اغراق‌آمیز فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تحمیل طرح تحریم ناجوانمردانه و یک طرفه از سوی غرب به بهانه واهی مقابله با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، فتنه ۸۸ و در نهایت شناسایی، جذب و سازماندهی مخفیانه بیش از ۱۰۰ هزار تروریست از نقاط مختلف دنیا و ظهور یک باره آنها در کنار مرزهای جمهوری اسلامی و داخل کشورهای همسو با ایران، بخش دیگری از سناریوی آمریکایی اسرائیلی است که غربی‌ها از آن به عنوان پروژه براندازی ۲۰۲۰ نام می‌برند.

در کنار این موارد باید به اقدامات جانبی دیگری مانند؛ تلاش غرب برای کاهش قیمت نفت، شایعه‌پراکنی در جامعه، ایجاد بازار سیاه در کشور با کمک بازوهای داخلی و افراد فرصت‌طلب، ترور شخصیتی، ترور دانشمندان و نخبگان ایرانی، محدودیت در سفر و تحصیل ایرانیان در اروپا و آمریکا، حملات سایبری، قطع ارتباط ماهواره‌های رسانه ملی، وارد ساختن انواع اتهامات سیاسی و غیرسیاسی، تحریک کشورهای همسایه برای درگیری با قطع رابطه و به انزوا کشیدن ایران در صحنه تعاملات بین‌المللی و سایر رفتارهای توهین‌آمیز و تحقیرگونه غرب نسبت به مردم و مسئولین ایران را نیز به کارنامه سیاه دشمنی و عداوت غرب با انقلاب اسلامی افزود.

همان‌گونه که اشاره شد، انقلاب اسلامی به واسطه ماهیت، ویژگی و خصوصیات منحصربه‌فرد خود از جمله، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، استقلال‌طلبی و حمایت از محرومین و مستضعفین، پیوسته مورد هجمه دشمنان بشریت قرار داشته و به تعبیر رهبری تا مادامی که استکبار زنده است و جمهوری اسلامی ایران بر اصول انسانی و اسلامی خود پایبند است، این دشمنی پایان نخواهد پذیرفت.

این تغییر رویکرد نیز ممکن نیست چون نقض غرض مردم از انقلابی است که برای کسب عزت و استقلال ایران صورت گرفته است، مگر آن که تمام دستاوردهای ارزشی و مادی و معنوی انقلاب اسلامی را به فراموشی بسپاریم و همچون گذشته پذیرای سرسپردگی غرب و شرق باشیم.

بنابراین؛ هرگز نباید فراموش کنیم، که شنیدن صدا و ندای آسمانی انقلاب برای استکبار و نظام سرمایه‌داری و کسانی که به سرعت در حال از دست دادن موقعیت و منافع نامشروع خود هستند، قابل تحمل نیست و از همین روست که دائما کشور ما را در معرض مخاطرات و تهدیدات جدید قرار می‌دهند، تهدیداتی که قطعا در بروز بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی و کند شدن روند رشد و پیشرفت کشور بی‌تاثیر نبوده است.

در عین حال تا زمانی که قدرت ایمان در جامعه حاکم و اتحاد و انسجام اسلامی برقرار باشد، نباید از رحمت و عنایت الهی ناامید شویم، همچنان که تاکنون انقلاب اسلامی به لطف الهی، هدایت رهبری و بصیرت و آگاهی مردم انقلابی ایران، تمامی توطئه‌ها را با کمترین آسیب پشت سر نهاده و با کسب دستاوردهای شگفت‌آور در عرصه‌های مختلف، همچنان محکم و استوار به راه خود ادامه می‌دهد.

## نفاق
# فصل مشترک جریان نفوذ

■ مهدی جاریانی

۱- یربوع (yarbu) در زبان عربی نام نوعی موش صحرایی کوچک است که برای زندگی در دشت و صحراها دو تونل حفر می‌کند. یکی برای رفت و آمد روزمره، که به آن «قاصعاء» می‌گویند و دیگری مخفی و برای وقتی است که مورد تهدید مهاجمان قرار بگیرد که «نافقاء» نام دارد.[۱]

این از زیبایی‌های کلام عرب می‌باشد که در نام‌گذاری دو یا چند مفهوم که با هم قرابت معنوی دارند معمولا از یک ریشه لغوی استفاده می‌کند. به عنوان نمونه، «نحر کردن» نحوه خاص ذبح شتر است که در آن نوک کارد را در گودی محل اتصال سینه و گردن شتر فرو می‌برند و محل را سوراخ می‌نمایند. از طرفی به دانشمندی که در رشته خویش کارکشته باشد، «نحریر» (neh) می‌گویند یعنی فردی که از ظاهر علم گذشته و به باطن و اعماق آن دست یازیده است. درست مانند نحر کردن که کارد از پوست و گوشت می‌گذرد و به استخوان می‌رسد. از این دست در کلام و سخن عرب نمونه‌های فراوان می‌توان یافت. «نافقاء» و «منافق» نیز دارای ریشه مشترک «نفق» به معنای نقب و تونل می‌باشند. همچنان که موش صحرایی برای فرار در روز حمله دشمن به حفر «نافقاء می‌پردازد، شخص منافق هم کسی است که از دل سرزمین ایمان خود تونلی پنهانی به عالم کفر و الحاد حفر کرده است تا در روز مبادا از آن رفت و آمد کند: «و اذا لقوا الذین آمنوا قالوا آمنا و اذا خلوا الی شیاطینهم قالوا انا معکم»[۲]

۲- «نقشه این دشمن در این منطقه عمدتا بر دو پایه استوار است - البته شعب زیادی دارند لکن عمده این دو تا است - یکی عبارت است از ایجاد اختلاف، دومی عبارت از نفوذ»[۳]. ... از همه طرق هم استفاده می‌کنند و آدم‌های گوناگونی هم دارند، استاد دانشگاه هم دارند، فعال دانشجویی هم دارند، نخبه فکری و علمی هم دارند همه جور آدمی برای ایجاد این رخنه‌ها هستند.» [۴]

«نفوذ» و «نفوذی» واژه‌های نام‌آشنای امروز سپهر سیاست ما هستند. مقام معظم رهبری با اینکه از سال‌های قبل درباره خطر نفوذ هشدار داده بودند اما از حدود ۲ سال پیش به صورت مکرر و موکد اهمیت این بحث را گوشزد نموده‌اند. این مطلب گویای جدی و نزدیک بودن خطری است که جامعه را تهدید می‌کند. وقتی به تاریخ اسلام نگاهی گذرا می‌اندازیم، با چهره‌های منافقی برخورد می‌کنیم که برای رسیدن به قدرت، حاضر به خدمت و ضربه زدن به دشمنان و جامعه اسلامی شده‌اند. آری! بخش اعظم جریان «نفوذ» از حوزه «نفاق» سیراب می‌شود لذا برای مقابله با آن ابتدا باید شاخص‌ها و مختصات نفاق را شناخت تا با خشکاندن سرچشمه، خودبخود بساط

نفوذ برچیده شود وقتی که خصوصیات نفاق و منافق مشخص شود دیگر شناخت نفوذی - در هر لباس که باشد - کار سختی نخواهد بود.

۳- یکی از ویژگی‌های منافقین به گواهی قرآن، دوستی با کافر می‌باشد: «الذین یتخذون الکافرین اولیاء من دون المومنین أیبتغون عندهم العزةَ فان العزةَ لله جمیعا» «منافقین کسانی هستند که به جای مومنین با کفار دوست هستند. آیا برای رسیدن به عزت با کفار دوست می‌شوند؟ به درستی که عزت - تماما - متعلق به خداوند می‌باشد.» [۵]

قرآن دستور «أشداء علی الکفار و رحماء بینهم» [۶] می‌دهد اما منافق با کفار نرم و مهربان و با مومنین تندخو می‌باشد. قرآن جزای کوچک‌ترین تمایل به ظالم را عذاب آتش معرفی می‌کند[۷] اما از رفتار منافق «تمایل» که هیچ بلکه «دوستی» با کفار استشمام می‌شود. این‌جاست که منافق تبدیل به نفوذی می‌شود و برای ضربه زدن به جامعه از راه‌های مخفی، شروع به ارتباط‌گیری و ارسال پالس برای کفار و دشمنان می‌نماید. کافر، دشمن آشکار اما منافق از پشت خنجر می‌زند و لذا جایگاهش در دوزخ از کفار هم بدتر است: «ان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار» [۸]

۴- خداوند سید اسیران، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی‌اکبر ابوترابی را غریق رحمت و رضوان خویش بگرداند. نقل است که روزی نماینده سازمان صلیب سرخ از ایشان درباره شکنجه شدنش توسط نیروهای عراقی پرسش کرد. اما آن بزرگوار هیچ شکایتی نکردند. بعد از مراجعت مامور مربوطه، شکنجه‌گر عراقی به سراغ ایشان می‌رود و علت امر را جویا می‌شود که آن بزرگوار پاسخ می‌دهند: «ما دو نفر مسلمان هستیم و من مسلمان را به غیر مسلمان نمی‌فروشم.»

این برخورد کجا و رفتار برخی از مسئولین ما کجا؟ آیا این‌همه ارادت و دلدادگی به غرب با ایمان جمع می‌شود؟ نام این همه اطمینان و اعتماد به شیطان بزرگ را می‌توان جز «آمریکادوستی» گذاشت؟ بعضی‌ها دیگر از دوستی معمول هم فراتر رفته و به رغم دستور قرآن[۹]، با اجنبی کافر - دانسته یا نادانسته - به مانند «بطانه» و دوست صمیمی رفتار می‌کنند و ضمن مطرح کردن مشکلات سیاست داخلی با آن‌ها، توقع استمداد و کمک دارند. این همه تلاش و اصرار برای واگذاری بخش مهمی از بازار داخلی، آن هم بدون عقد قرار محکم و مطمئن، به دشمنان قسم‌خورده ما یعنی اروپا و آمریکا از کجا نشات می‌گیرد؟ قبول که ممکن است برخی از این‌ها غافل باشند اما نباید فراموش کنیم که به شهادت قرآن، دوستی با کفار «شعار منافقین» است پس یکی از اماکنی که برای پیدا کردن نفوذی‌ها و منافقین باید جست‌وجو شود، گروه‌ها و جریان‌هایی هستند که داعیه دوستی و اعتماد به کفار دارند.

برای از بین بردن خطر نفوذ باید افراد نفوذی را یک به یک شناسایی کرد زیرا اگر فقط به بستن راه‌ها بسنده کنیم باز به خاطر طبیعتشان با ایجاد نقب جدید تولید خسارت می‌کنند. تا وقتی که افراد نفوذی در نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز فعال باشند، دل بستن به دستاوردها و پیشرفت‌های انقلاب و جامعه امید واهی است. زیرا اعتماد به نفوذی‌ها، خالی شدن انبار دستاوردهای انقلاب و درجا زدن را به دنبال دارد.

اول ای جان دفع شر موش کن
وانگهان در جمع گندم جوش کن[۱۰]

**پی‌نوشت‌ها**

۱- لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه‌های یربوع، نافقاء و قاصعاء
۲- سوره مبارکه بقره، آیه ۱۴
۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم السلام و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۹۴/۵/۲۶
۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۹۴/۶/۲۵
۵- سوره مبارکه نساء، آیه ۱۳۹
۶- سوره مبارکه فتح، آیه ۲۹
۷- سوره مبارکه هود، آیه ۱۱۳
۸- سوره مبارکه نساء، آیه ۱۴۵
۹- سوره مبارکه آل‌عمران، آیه ۱۱۸
۱۰- مثنوی معنوی، دفتر اول، بخش ۱۶